

الساندرو دل پیرو

کتاب اول

ماشاله صفری



نشر کاوش

سری کتاب‌های جیبی: **دل پیرو ۱**

الساندرو دلييرو

ماشاله صفری



چاپ: تهره ایر
مطبع: الف
مطبع: اری
طرح جلد: گرافیک
توبیت چاپ: اول ۱۳۹۷
قیمت: ۶۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۵۲-۵-۸

نقل و جواب مطالب منوط به اجازت کتبی مباشران

سرشناسه: پیرو، آلساندرو، ۱۹۲۴ - Alessandro
 عنوان و نام پدیدآور: کتاب اول / آلساندرو دل پیرو، ترجمه ده صف
 مشخصات نشر: تهران، انتشارات گلشن، ۱۳۶۷
 مشخصات ظاهری: ۵۶ ص، ۱۹۵۶۶ م.
 فروم: دسترسی کتابهای چینی
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۵۰-۵ ۶۰۰۰ زبانی
 وضعیت فهرست نویسی: کلیا
 یادداشت عنوان اصل: ۱۳۰۲ / Playing on : my life on and off the field
 یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان «دوباره فوتبال» توسط همین انتشارات در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است.
 عنوان دیگر: دوباره فوتبال
 موضوع: کتاب پیرو، آلساندرو، ۱۹۲۴ - م.
 موضوع: Del Piero, Alessandro / شماسه افزوده، جعفری، ماشالله، ۱۳۶۶ - م. مترجم
 رده بندی کنگره: ۷/۵۸۳.۱۳۶۷/۵۸۳.۱۳۶۷
 رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۰.۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۱.۱۶۲

تلفن: ۳۳۹۸۲۸۸۸ {+۹۸۲۱} فکس: ۴۳۸۵۲۹۳۳ {+۹۸۲۱}

{+9A} 92139-225.

www.goalgasht.ir

مقدمه

با جایی که به من مربوط می‌شود، استرالیا فقط یک مکان نیست، یک باور ذهنی است. سال‌ها من سفید بودم که قبل از پرواز بیست و چهار ساعته، با قلب و ذهنم انجام داده بودم.

چند سال قبل، بعد از جستجو، که تحملش برایم غیرممکن بود، تصمیم گرفتم برای تعطیلات به دورترین نقطه‌ای که روی نقشه پیدا می‌کنم بروم. فراری بدون هدف نهایی. فقط مهم بود احاطه مکرر دور شوم. مدت‌ها بعد، دوباره این کار را انجام دادم، البته به دلایلی بسیار مسوت. اما این بار نه بعد از یک شکست، بلکه بعد از بالا بردن جام برای آخرین بار به عنوان کاپیتان باشگاه یوونتوس بود. آن روز از چیزی فرار نمی‌کردم، احتیاجی به مخفی شدن نداشتم. زمانی‌هایی وجود دارند که فرار و تغییر به رویکرد یکسانی نیاز دارند، زمانی که نیاز داریم در درگیری مان فاصله بگیریم. این جهشی به سطح دیگر است، مرحله‌ای جدید در یک بازی یدئویی که کاملاً با مراحل قبلی متفاوت است و در نتیجه هیجان‌انگیزتر است. با ارزی کامل سراغش بروید.

استرالیا دقیقاً همین کار را کرد، دوباره شارژم کرد و چیزی که به آن نیاز داشتم را به من داد. بعد از ترک یوونتوس پیشنهادات زیادی دریافت کردم که بیشتر آن‌ها از ایتالیا بودند، و بیشتر از آنچه انتظار داشتم. بعد از بیست سال پوشیدن پیراهن سیاه و سفید که ایتالیایی‌ها یا عاشقش هستند یا از آن متنفرند تصورش را نمی‌کردم.

که این همه تیم دنبال کسی باشند که سال‌ها حریفشان بوده و کاپیتان تیم دشمن آن‌ها، رؤسا، مربی‌ها و همکاران کاری کردند که احساس غرور کنم. احتمالا می‌خواستند از حس انتقامی که نسبت به یوونتوس داشتیم هم استفاده کنند اما هرگز چنین احساسی نداشته‌ام. شما گذشته‌تان را پاک نمی‌کنید، حداقل من چنین کاری نمی‌کنم. همیشه گفته بودم هرگز برای باشگاه دیگری در ایتالیا بازی نمی‌کنم، و با تمام احترامی که برای آن‌ها قایلیم سر حرفم ایستادم.

در اایل دوره‌ام به عنوان بازیکن آزاد، پیشنهادها را بر اساس حضور تیم‌ها در مسابقات بین‌المللی مانند لیگ قهرمانان یا لیبرتادورس بررسی می‌کردم چون از امری بی‌خبر نمی‌بودم. پیشنهاد داشتم. هنوز درگیر الساندرو دل پیروی «قدیم» بودم. هنوز درک نکردم بودم. مرحله از بازی ویدئویی را پشت سر گذاشته‌ام؛ مرحله‌ای که در روزی فراوان نشانی از یوونتوس استادیوم با قدردانی خودجوش، بی‌ریا و فوق‌العاده‌ی هوادار، بیان می‌کرد. هنوز درک نمی‌کردم که چیزی متفاوت می‌خواهم. نه چیزی بیشتر از آنکه امکان نبود. این امتیاز را داشته‌ام که همه مقام‌ها را در سطح باشگاهی با دست آوردم و همراه تیم ملی سال ۲۰۰۶ قهرمان جام جهانی آلمان شوم. برای بیست سال با سرعت صد کیلومتر در ساعت حرکت کردم و فقط یک چیز می‌خواستم: به دست آمدن آن که در ورزش به معنای پیروزی است. و با پیروزی باشگاه را ترک کردم. چه چیزی می‌توانست دوباره چنین حسی به من دهد؟ چه چیزی می‌توانست در مقام مقایسه با گذشته‌ام را بگیرد، بدون این‌که اسیر حملات بی‌پایان نوستالوژی شود؟ هرگز نخواستم در بازی ادامه دهم و به جای نگاه به روبرو چشم به پشت سر داشته باشم. بهتر بود که همه چیز پایان می‌دادم.

پس، در حالی که در تعطیلات بودم و سعی می‌کردم بعد از طوفانی احساسی که مرا در بر گرفته بود افکارم را مرتب کنم، به این نتیجه رسیدم که دیگر هیچ چیز

بیشتری نمی‌توانم به دست آوردم. نه، دیگر نمی‌توانستم. باید دنبال چیز جدیدی می‌رفتم، تجربه‌ای جدید که ارزش عرق ریختن و تمرین را داشته باشد، در حالی که هنوز می‌توانستم از تجربیاتم با ذهن یک مرد بالغ و قلب کودکی که هنوز فقط می‌خواست دنبال توپ فوتبال بدود استفاده کنم.

پس ذهنیتم تغییر کرد: دیگر دنبال تیم و مسابقاتی نبودم که افتخاراتی که دارم را دوباره به من بدهد. شروع به بررسی پیشنهادهای کردم که چیزی بیشتر از قرارداد، پول و فرصتی برای بدست آوردن چیزهایی که قبلاً بدست آورده‌ام به من دهد. یک تیم جدید، یک زندگی جدید می‌خواستم.

یک بار ذهنم جدید: این دلیل انتخاب اِف سی سیدنی، شهر سیدنی و استرالیا بود.

یک زندگی جدید. استرالیا برای من یک قبل و بعد را تعریف می‌کند و حتی زمانی که دیگر این‌جا نباشم، همیشه این دوره، زندگی‌ام را به دو قسمت تقسیم کرده است، و نه فقط زندگی حرفه‌ای من.

قبل از این عادت داشتم تمام مدت، بیرون و بیرون زمین الساندرو دل پیرو باشم. همیشه آگاهانه و باید بگویم با غرور زندگی حرفه‌ای را از زندگی خصوصیم جدا کردم: دل پیروی فوتبالیست از الساندروی پدر، هانس پس برادر و دوست جداست... اما در ایتالیا و اروپا غیرممکن است که خارج از پهنای خانه‌ام دل پیرو نباشم. البته باید بگویم که شکایتی ندارم؛ توجه و عشقی که مردم در آنجا می‌کنم حس فوق‌العاده‌ای دارد؛ حس فریادها و شادیشان وقتی گل می‌زنم حس فراموش نشدنی که ارزش همه‌ی سختی‌ها را دارد. اما انکار نمی‌کنم به مرور زمان، مخصوصاً بعد از به دنیا آمدن فرزندم بیشتر دنبال یک زندگی «عادی» بودم. و این چیزی بود که در استرالیا پیدا کردم. چیزهایی را دوباره کشف کردم که تقریباً از یاد برده بودم: این‌که بچه‌هایم را به پارک ببرم، کاری که همیشه با پدرم انجام

می‌دادم، در شهر قدم بزنم، مانند توریستی در محل زندگیم باشم، وقت بیشتری برای خانواده و خودم داشته باشم و ابعاد جدیدی از زندگی را تجربه کنم. ابعادی که قبل از سیدنی آن‌ها را نمی‌شناختم.

در زندگیم به عنوان بازیکن اف‌سی سیدنی بیشتر عادت‌هایم تغییر کرد، زندگی روزمره در کشوری بسیار متفاوت با ایتالیا قوی‌ترم کرد. و این یک نظر نیست، یک حقیقت است. در استرالیا همه‌ی ما مهاجر هستیم، بعضی زودتر آمده‌اند بعضی دیرتر. ایتالیایی‌های زیادی را ملاقات کردم؛ آن قدر که بعضی روزها احساس می‌کنم هنوز در ایتالیا هستم. تک‌تک آن‌ها داستان خاص خود را دارند و باید کتابی مانند همین کتاب بنویسم. این زندگی واقعی است. عشق آن‌ها به ایتالیا حتی از چنین فاصله‌ای اعمش می‌شود. ایتالیایی بودنم بیشتر افتخار کنم. در عین حال قدردان استرالیا هستم. موفقیت مثبت مستقل خودش را شکل داده است، اما اجازه می‌دهد مردم این جا به ریشه‌هایشان پایبند باشند. این کشور مثال فوق العاده‌ای است چون گوناگونی نژاد و ملیت یک سرمایه می‌بیند نه یک مشکل، و این سنگ بنای یک سیستم مشترک بالارزش است. چیزی است که خیلی زود به آن پی می‌برید، وقتی برای خرید می‌روید، زمانی که به هاستل را به مدرسه می‌برید، یا در رستوران و زمین تمرین. این درسی است که می‌خواهم با شما همیشه همراه داشته باشم، و می‌خواهم فرزندانم هم همین کار را انجام دهند.

فقط چند روز بعد از رسیدن به استرالیا متوجه شدم تصمیم درستی گرفته‌ام. چه بیرون زمین چه درون آن. فکر می‌کنم تمام ورزشکاران باید دورهای زندگی حرفه‌ای‌شان را در استرالیا تجربه کنند، چون برایشان مانند بهشت است. چیزی که بلافاصله متوجه شدم، این موضوع بود که ورزش به شکلی جدی بخشی اساسی در تحصیلات جوانان است، و مهم‌تر از آن از آن یک فاکتور فرهنگی در زندگی روزمره‌ی مردم. این جا هم خوانی بین فعالیت بدنی و سلامتی آن قدر درست و آشکار است که

بلافاصله متوجه‌اش می‌شوید.

در یک مصاحبه با روزنامه‌ای ایتالیایی بعد از رسیدنم به استرالیا گفتم چیزی در سیدنی توجهم را جلب کرد تعداد مردمی بود که صبح زود مشغول ورزش هستند. روشن است وقتی کسی ورزشکار حرفه‌ای در سطح بالا نیست و تبدیل به یک تماشاگر می‌شود، قابلیت فوق‌العاده‌ای در ارزش‌گذاری توانایی‌ها و تکنیک‌های ورزشکاران دیگر بدست می‌آورد. این‌جا در استرالیا عاشق این هستند که بخشی از رقابت و درگیران باشند، احترام زیادی برای ذات ورزش‌قائلند و در عین حال فریاد می‌زنند، شعار می‌دهند و رقابت‌ها را با شور و اشتیاق دنبال می‌کنند. فکر نمی‌کنم کوو در سیدنی حرفه‌ای در حنجالی‌تر از طرفداران دوآتشه اروپایی نباشند... اما چیزی به اسم سکران‌های سازمان‌دهی شده برای فحاشی و هو کردن حریف وجود ندارد. باور دارم این موضوع به ذات پاپ ورزش برای آن‌ها ارتباط دارد، نه فقط نتیجه و شعار برای تیم خودشان. این‌ها فقط در ورزش‌های سنتی و قدیمی استرالیا دیده نمی‌شود، بلکه در ورزش‌های جدید راین شور مانند فوتبال که اخیراً مورد توجه زیادی قرار گرفته هم وجود دارد.

خوش‌آمدگویی که از من صورت گرفت باور نکردنی بود. در تمام استادیوم‌ها ایستاده تشویق کردند، در تمام شهرها استرالیایی‌ها قهرمانی و اشتیاقشان را از حضور در زمین نشان دادند. مردم زیادی، و نه فقط ایتالیایی‌های مهاجر از چنین انتخابی تشکر کردند. به خاطر احساساتی که به من نشان می‌دهند و برای تمام چیزهایی که از این ماجراجویی بزرگ یاد گرفته‌ام قدردان آن‌ها هستم. به امید قراردادم با اف سی سیدنی برای فصل دوم حضور در لیگ استرالیا نشان می‌دهد. چقدر به این پروژه و تجربه استرالیایی ایمان دارم. با تمام وجود تلاش می‌کنم، تیم رشد بیشتری کند و نتایج بهتری نسبت به فصل قبل بگیرد، و البته به گسترش فوتبال در استرالیا هم کمک می‌کنم، مخصوصاً جوانان و بچه‌هایی که می‌خواهند

این ورزش شگفت انگیز را از سنین پایین آغاز کنند.

ترسی ندارم خودپسند شناخته شوم اگر اعتراف کنم که دلیل اصلی قبول پیشنهاد اف سی سیدنی پافشاری جدی آن‌ها برای به خدمت گرفتن من بود. از اولین ملاقات با رفتارشان و نه فقط کلمات باعث شدند احساس کنم چقدر مهم هستم. بالاتر از همه، آن‌ها همیشه با پروژه‌ی گسترش فوتبال در استرالیا پیوند داشته‌اند. البته برای سیدنی بازی می‌کنم. اهدافم، و دلیل به خدمت گرفتنم، در سنین تمام و گرفتن نتایج خوب است. اما چیز مهمتری هم وجود دارد. از لحظه‌ای که قدم به فرودگاه گذاشتم و در اولین جلسه تمرین شرکت کردم، این افتخار و مسئولیتِ داشتن تانماد فوتبال و به شکل کلی ورزش در توسعه‌ی فوتبال در استرالیا باعث شد. این یک بازی کوچک نیست؛ تقریباً بزرگترین دستاوردی است که می‌توانم در دوران حرفه‌ایم داشته باشم. می‌گویم تقریباً چون فوتبالم هنوز تمام نشده و پایان آن هم داشته‌اند است. در صفحات این کتاب کشف می‌کنید چه چیزی من را الکسی امروزی کرد، و من از آن‌ها به پشته‌های پشت این بازیکن فوتبال و مردی که تبدیل به آن شدم وجود دارد هیچ زندگی‌نامه‌ای در کار نیست؛ فکر می‌کنم هنوز زمانش فرا نرسیده است، اما حرف‌های زیادی می‌دارند که داستان دنیایم را تعریف می‌کنند، دنیایی که یک سال قبل از نوشتن این کتاب دگرگون شد، و من را تا دورترین نقطه‌ی کره زمین آورد، تا استرالیا.